

بِه نام خدا



جانانان لاندن

سروده‌ی

ناصر کشاورز

با تصویرگری فرانک رمکیه ویچ

وَرَجِه باهوشه
می‌دونه چی بیوشه!



www.ofoqco.com



یه شبِ زمستونی
که تا صبح برف می بارید
وگی لای پتو بود
خواب‌های برفی می دید

یهو بیدار شد و گفت:
«هوا خیلی شده سرد!»
پا شد و از پنجره
یه نگاه به کوچه کرد

- اُه! چه برفی اومده
داره باز هم می باره
موقع برف بازیه
جونمی! کیفی داره